

نقش تعدیل‌گری جنسیت در پیوند میان خودشیفتگی سالم و خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی

صبحا عبدی^{۱*}، اکبر رضایی^۲، علی محمد زاده^۳

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

چکیده


هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه خودشیفتگی سالم و بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان و نقش تعدیل‌کننده جنسیت در این رابطه انجام شد.


روش‌شناسی: پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند. از بین آن‌ها تعداد ۳۶۹ دانش‌آموز با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای وارد پژوهش شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی جینکز و مورگان (۱۹۹۹) پرسشنامه خودشیفتگی نهان بیمارگونه (۲۰۱۳) و پرسشنامه خودشیفتگی آشکار سالم (۲۰۱۳) گردآوری شدند. داده‌ها با استفاده از روش روش معادلات ساختاری با تکنیک تحلیل گروه‌های چندگانه تجزیه و تحلیل شدند.


یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که خودکارآمدی تحصیلی با خودشیفتگی سالم رابطه مثبت و معنادار و با خودشیفتگی بیمارگونه رابطه منفی و معنادار دارد. متغیر جنسیت در رابطه بین خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی اثر تعدیل‌کننده نداشت و در ارتباط خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی در پسران، نه دختران، نقش تعدیل‌کننده داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش انواع خودشیفتگی اثرات متفاوتی بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دارد که میزان این اثر در دانش‌آموزان دختر و پسر با هم متفاوت است. با توجه به پیچیدگی حوزه خودشیفتگی لازم است مشاوران، روانشناسان و معلمان اطلاعات بیشتری در این زمینه کسب کنند.

واژگان کلیدی: خودشیفتگی سالم، خودشیفتگی بیمارگونه، خودکارآمدی تحصیلی، جنسیت.

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان میاندوآب، میاندوآب، ایران. (نویسنده مسئول). 

^۲ دانشیار گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. 

^۳ دانشیار گروه روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. 

نوجوانی به عنوان دوره گذر از کودکی به بزرگسالی با تحولات روانی- اجتماعی و شناختی زیادی همراه است. نوجوانان در اجتماع بزرگ‌تر بیش از زمان کودکی فعال بوده و باید مسئولیت کارها و اعمال خود را بپذیرند، که این مستلزم کسب مهارت‌های جدیدی است. برای اینکه نوجوانان با چالش‌های متعدد و تغییرات بلوغ برخورد کنند و با دوستان خود سرمایه‌گذاری هیجانی داشته باشند باید به احساس خودکارآمدی برسند. باورهای خودکارآمدی در بسیاری از زمینه‌های زندگی نوجوانان از جمله ورزش، مدرسه و تحصیل اثر نافذی دارد (Schultz & Schultz, 2016). خودکارآمدی عبارتست از گمانه‌زنی و قضاوت فردی درباره درجه‌ای که فرد خود را قادر به انجام دادن کار، دستیابی به هدف یا مقابله مؤثر در شرایط استرس‌زا می‌داند (Pu, Hou & Ma, 2017). خودکارآمدی در حوزه‌های مختلفی مطرح می‌گردد. یکی از این حوزه‌ها، حوزه‌های آموزشی است که از آن به عنوان خودکارآمدی تحصیلی^۱ یاد می‌گردد (Altunsoy, Çimen, Ekici, Atik & Gökmen, 2010).

امروزه بخش قابل توجهی از چالش‌های دوره‌ی نوجوانی را چالش‌های تحصیلی تشکیل می‌دهد که حتی ممکن است به شکست یا انصراف آنان از تحصیل منجر شود (Pettus, 2006). بنابراین، مجهزسازی فراگیران و افزایش خودکارآمدی تحصیلی آنان در برخورد با این چالش‌ها باید جزء اولویت‌های اصلی مدارس قرار گیرد. براساس نظریه شناختی- اجتماعی^۲، خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان متأثر از منابع متعددی است که شناسایی آنها در برنامه‌ریزی‌های آموزش و پرورش نقش مهمی ایفا می‌کند (Shams, 2011). صفات شخصیت از جمله عوامل مؤثر بر خودکارآمدی تحصیلی افراد است (Buch, Säfvenbom & Fosse, 2015). در سال‌های اخیر بیشتر مطالعات در زمینه ویژگی‌های شخصیت بر پنج عامل بزرگ شخصیت متمرکز بوده است، اما به تازگی روانشناسان شخصیت در پژوهش‌های خود توجه‌شان را به سمت ویژگی‌های تاریک شخصیت همچون ماکیاولی^۳، خودشیفتگی^۴ و سایکوپاتی^۵ متمرکز ساخته‌اند (Back & Vazire, 2015). در این میان خودشیفتگی متغیری مهم به شمار می‌رود که می‌تواند بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان تاثیرگذار باشد (Saadat, Kalantari & Ghamarani, 2017).

خودشیفتگی را می‌توان به صورت پیوستاری در نظر گرفت که دامنه آن از خودشیفتگی مرضی تا خودشیفتگی سالم است (Brown, 2007). خودشیفتگی بیمارگونه^۶ یک الگوی رفتاری ناسالم با ویژگی‌های منحصر به فرد، احساس غرور، حس حق به جانب بودن، سطح پایین همدلی و صمیمیت عاطفی به همراه با عزت‌نفس کاذب است (Wright, et al, 2013). شخصیت‌های خودشیفته بیمارگونه با حس یکپارچگی ضعیف و بی‌ثبات و آسیب‌پذیر تعریف می‌شوند (Cheek, Hendin & Wink, 2013). افرادی که خودشیفتگی مرضی دارند، زمانی که حرمت خود آن‌ها با ناامیدی و تهدیدهایی رو به رو می‌شود، به دلیل این که دنیا موانع و چالش‌هایی در مسیر خواسته‌هایشان ایجاد می‌کند، آشفته می‌شوند (Ronningstam, 2005). همچنین این افراد عطش توجه و اطمینان افراطی به خود و خودبزرگ‌بینی زیادی دارند (Mark Young & Pinsky, 2006) که همین می‌تواند به خودکارآمدی آنان صدمه وارد کند. در مقابل خودشیفتگی سالم^۷ با یک تمایل نسبت به پذیرش تصورات مثبت درباره خود و به حداقل رساندن اطلاعات نامتناقض در جهت تصویر مثبت از خود همراه است (Morf & Rhodewalt, 1993). چنین افرادی تمایل دارند که جاه‌طلب، راضی و موفق باشند و برتری خود را در محیط‌های مرتبط با پیشرفت اثبات کنند (Cheek, et al, 2013).

Hirschi & Jaensch (2017) در مطالعات خود نشان دادند که بین خودشیفتگی و خودکارآمدی ارتباط معنادار مثبت وجود دارد. Saadat et al (2017) در پژوهشی نشان دادند که صفات شخصیت جامعه‌ستیزی و ماکیاولی با خودکارآمدی تحصیلی رابطه معنادار و منفی دارند ولی خودشیفتگی ارتباطی با خودکارآمدی تحصیلی ندارد. Brookes (2015) نشان داد که خودشیفتگی آشکار

¹- Academic self-efficacy

²- Social cognition theory

³- Machiavellianism

⁴- Narcissism

⁵- Psychopath

⁶- Maladaptive Narcissism

⁷- Adaptive Narcissism

به صورت مثبت خودکارآمدی تحصیلی و اعتماد به نفس در دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند ولی در مقابل خودشیفتگی پنهان، عزت‌نفس و خودکارآمدی را در دانشجویان به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند. یافته‌های Lapsely & Aalsma (2006) نقش خودشیفتگی را در سلامت روانشناختی در اواخر نوجوانی نشان داد. آن‌ها نشان دادند که خودشیفته‌های ناسازگار نسبت به خودشیفته‌های آشکار، مشکلات تحصیلی بیشتری داشتند و یک درجه متوسط خودشیفتگی با سلامت روانی مثبت رابطه داشت. بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که یک عامل مهم در ابراز خودشیفتگی جنسیت است. جنسیت یکی از جنبه‌های اصلی زندگی اجتماعی است که به الگوهای فرهنگی خاصی از رفتار زنان و مردان دلالت دارد (Hossein Gholizadeh, et al, 2015).

الگوهای قالبی جنسیت در رفتار و فرآیندهای ذهنی تأثیرات چشمگیری برجای می‌گذارد (Bakhshizadeh, et al, 2018). طبق نتایج به دست آمده از یک زمینه‌یابی ملی شیوع اختلال شخصیت خودشیفته در مردان (۷/۷ درصد) بیشتر از زنان (۴/۸ درصد) است (Stinson, et al, 2008). بر اساس نظر فیلیپسون خودشیفتگی هم به عنوان یک اختلال و هم به عنوان یک سازه شخصیتی، عمدتاً تجربه‌ای مردانه است (Ghorbani, 2018). در پژوهشی، واتسون، تیلور، و موریس دریافتند افراد دارای ویژگی‌های مردانه، از جنبه‌های سالم خودشیفتگی، بیشتر برخوردارند و افراد دارای ویژگی‌های زنانه، کمتر به ویژگی‌های ناسالم خودشیفتگی، مانند بهره‌کشی، مبتلا می‌شوند (Watson, Taylor & Morris, 1987). وازیر و فاندرا نشان دادند که ویژگی‌های مردانه با خودشیفتگی همبستگی مثبت و معناداری دارد، ولی ویژگی‌های زنانه با خودشیفتگی همبستگی معکوس دارد. در کل نتایج پژوهش‌ها در مورد نقش جنسیت در ابراز خودشیفتگی ناهمخوان و بیشتر به بعد بیمارگونه خودشیفتگی توجه شده است (Vazire & Funder, 2006).

بنابراین با توجه به اینکه در مطالعات پیشین به خودشیفتگی نگاه تک‌بعدی شده است و ارتباط انواع خودشیفتگی با خودکارآمدی تحصیلی هنوز بررسی نشده است و همچنین نقش مهمی که جنسیت می‌تواند در ابراز خودشیفتگی داشته باشد، در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوالات هستیم: ۱- بین خودشیفتگی سالم و خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد؟ ۲- آیا متغیر جنسیت در رابطه بین خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی اثر تعدیل‌کنندگی دارد؟ ۳- آیا متغیر جنسیت در رابطه بین خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی اثر تعدیل‌کنندگی دارد؟

روش شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ نوع پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه اول شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ به تعداد ۹۷۰۲ دانش‌آموز بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، ۳۶۹ دانش‌آموز وارد پژوهش شدند. به این صورت که از میان مدارس دولتی شهرستان میاندوآب، چهار مدرسه دخترانه و چهار مدرسه پسرانه؛ و از هر مدرسه یک کلاس هفتم، یک کلاس هشتم و یک کلاس نهم انتخاب شد. همچنین تعداد ۲۰ پرسشنامه بیشتر جهت جلوگیری از ریزش نمونه، بین دانش‌آموزان توزیع شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی از نرم‌افزار SPSS21 و در بخش آمار استنباطی از نرم‌افزار Amos24 و روش معادلات ساختاری با تکنیک تحلیل گروه‌های چندگانه^۱ استفاده شد. همچنین در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه زیر استفاده شد.

پرسشنامه خودشیفتگی نهان بیمارگونه^۲: این مقیاس خودسنجی برای سنجش خودشیفتگی بیمارگونه توسط Cheek, Hendin & Wink (2013) تدوین شده است. این پرسشنامه شامل ۲۳ سؤال و لیکرت پنج درجه‌ای برای نمره‌گذاری است. نمره هر فرد از طریق جمع نمرات گویه‌ها محاسبه می‌شود. اعتبار محتوا و صوری مقیاس تأیید شده است و ضریب همبستگی این ابزار با

¹ - Multiple-Group analyses

² - Maladaptive covert narcissism scales (MCNS)

MMPI برابر با ۰/۶۵، با عامل خودشیفتگی آشکار NPI برابر با ۰/۳۰ و با مقیاس خودشیفتگی آشکار سالم برابر با ۰/۱۶- بوده است (Cheek et al., 2013). آلفای کرونباخ کلی به دست آمده توسط (Cheek et al (2013)، ۰/۸۹، بوده است و از لحاظ اعتبار ملاکی با تمام حوزه‌های پرسشنامه پنج عاملی همبسته بوده است. در پژوهش Gholamipour, Rahimian Boogar, Talepasand (2017) ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ محاسبه شد. در پژوهش حاضر، برای تعیین روایی پرسشنامه از نسبت روایی محتوا (CVR)^۱ و شاخص روایی محتوا (CVI)^۲ استفاده شد. نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا برای کل سوالات به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۹۳ محاسبه شد. همچنین برای پایایی ثبات درونی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که ۰/۷۸ محاسبه شد.

پرسشنامه خودشیفتگی آشکار سالم^۳: این پرسشنامه خودشیفتگی سالم و آشکار را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این مقیاس توسط (Cheek, Wink, Hargreaves & Derr (2013) در ۲۰ سؤال تدوین شده است. نمره‌گذاری براساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای است (هرگز، به ندرت، بعضی اوقات، بیشتر اوقات و همیشه) که در تمامی سوالات کمترین رتبه ۱ و بیشترین رتبه ۵ تعلق می‌گیرد، مگر سؤال‌های ۹ و ۱۰ که به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. حداقل نمره‌ی این مقیاس ۲۰ و بیشترین نمره‌ی این مقیاس ۱۰۰ است که نمره هر فرد از طریق جمع نمرات گویه‌ها محاسبه می‌شود. آلفای کرونباخ این ابزار توسط Cheek et al., (2013)، ۰/۸۸ گزارش شده است. در پژوهش et Gholamipour and al. (2017) ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ محاسبه شد. در پژوهش حاضر، برای تعیین روایی پرسشنامه از نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا استفاده شد. نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا برای کل سوالات به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۹۶ محاسبه شد. همچنین برای پایایی ثبات درونی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که ۰/۸۰ محاسبه شد.

پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی جینکز و مورگان^۴: این پرسشنامه ۳۰ سؤال دارد. گویه‌های این پرسشنامه با مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تدوین شده است که در سه مقوله کوشش، استعداد و بافت قرار می‌گیرند. Jinks & Morgan (1999) ضریب پایایی پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و ضریب پایایی هر یک از خرده مقیاس‌های استعداد، کوشش و بافت را به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۶۶ و ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند. در ایران، KarimZade & Mohseni (2006) با استفاده از روش تحلیل عاملی، روایی پرسشنامه را مورد تأیید قرار داد و بارهای عامل به ترتیب برای استعداد، کوشش و بافت ۰/۶۶، ۰/۶۵ و ۰/۶۰ و ضریب پایایی کلی آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۶ گزارش کرد.

یافته‌ها

۴۶/۶ درصد از شرکت‌کنندگان دختر و ۵۳/۴ درصد از آنان پسر بودند که با توجه به اهمیت متغیر جنسیت سعی شده که تعداد پسران و دختران نزدیک به هم انتخاب شوند. میانگین سنی دانش‌آموزان ۱۴/۱ سال بود. داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

مؤلفه‌ها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
خودکارآمدی تحصیلی	۵۵/۰۰	۱۱۷/۰۰	۹۰/۸۰۷۲	۷/۸۶۹۸۸
خودشیفتگی بیمارگونه	۳۴/۰۰	۷۵/۰۰	۴۵/۰۹۷۶	۲۶/۹۸۴۷۲
خودشیفتگی سالم	۳۸/۰۰	۷۰/۰۰	۷۹/۲۶۵۶	۹/۳۶۵۱۷

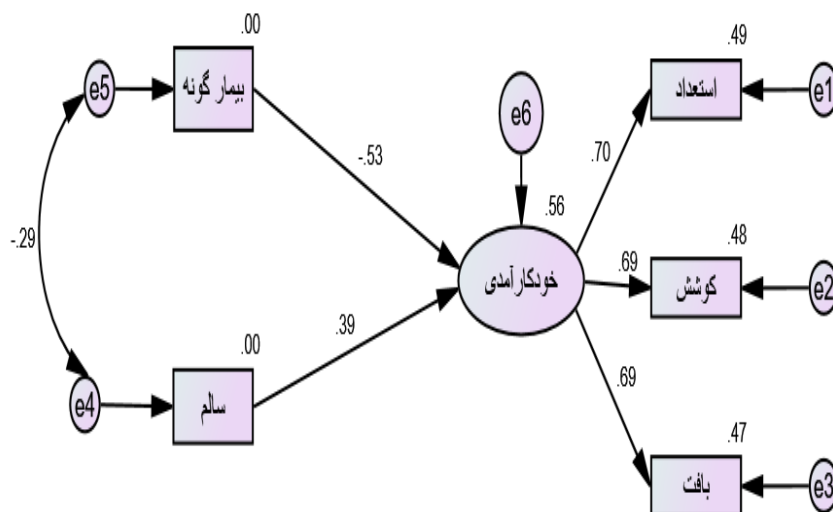
^۱-Content Validity Ratio

^۲-Content Validity Index

^۳- Adaptive overt narcissism scale (AONS)

^۴- Jink and Morgan Academic Self-Efficacy Inventory (MJSES)

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. میانگین خودکارآمدی تحصیلی، خودشیفتگی سالم و خودشیفتگی بیمارگونه به ترتیب ۹۰/۸۰، ۷۹/۲۶ و ۴۵/۰۹ می‌باشد. جهت بررسی رابطه خودشیفتگی سالم و خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی، مدل ساختاری کلی با روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته ارائه شده است که روابط علی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل ساختاری کلی پژوهش

شکل ۱ مدل ساختار کلی پژوهش را نشان می‌دهد. شکل مدل ساختاری بیانگر رابطه معکوس ($r = -0.53$) خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی و رابطه مستقیم و معنی‌دار ($r = 0.39$) خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی است.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل تحقیق

RMSEA	IFI	CFI	NFI	AGFI	GFI	df/x ²	X ²	شاخص‌ها
۰/۰۵۶	۰/۹۶۳	۰/۹۶۱	۰/۹۳۲	۰/۹۶۵	۰/۹۹۱	۰/۹۶۱	۸/۵۴	مدل ساختاری کلی پژوهش
۰/۰۸ <	۰/۹ >	۰/۹ >	۰/۹ >	۰/۹ >	۰/۹ >	< ۳	-	برازش قابل قبول

با توجه به مقادیر به دست آمده برای شاخص‌های پژوهش در جدول ۲ (کای اسکور، نسبت کای اسکور به درجه آزادی، سطح معنی‌داری، شاخص برازش فزاینده، شاخص برازندگی مقایسه‌ای، شاخص نیکویی برازش و شاخص ریشه میانگین مجذور برآورد تقریبی) و مقایسه آن‌ها با مقادیر قابل قبول، می‌توان گفت که تمام شاخص‌ها در حد مطلوبی هستند و مدل مد نظر دارای برازش مطلوبی است.

سؤال دوم این پژوهش آزمون اثر مداخله‌گری متغیر جنسیت در رابطه با خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول بود. در بررسی اثر تعدیل‌کنندگی متغیر جنسیت در رابطه بین خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی از تکنیک تحلیل گروه‌های چندگانه استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل گروه‌های چندگانه نشان داد که مدل مبتنی بر فرض یکسان بودن برای دختران و پسران شرکت‌کننده در پژوهش از برازش نیکویی بهتری برخوردار بود. نتایج به دست آمده در خصوص شاخص‌های نیکویی برازش و تفاوت کای اسکور برای مدل‌های یکسان و غیر یکسان روابط در میان دو گروه در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. خلاصه شاخص‌های نیکویی برازش در مدل‌های غیریکسان و یکسان رابطه در میان دو گروه دختر و پسر همراه با مقایسه مدل‌ها (با فرض اصلی بهتر بودن مدل یکسانی رابطه برای دو گروه)

مدل	X^2 (df, p)	p	x^2/df	GFI	AGFI	NFI	CFI	IFI	RMSEA	AIC
مدل یکسان	۷/۴۹	۰/۸۴	۲/۲۰۷	۰/۹۰۸	۰/۹۳۱	۰/۹۲۷	۰/۹۲۶	۰/۹۲۸	۰/۰۶۷	۷۳/۶۰۲
مدل غیریکسان	۲۴/۸۰۱	۰/۰۳۷	۱۱/۷۴۲	۰/۹۰۱	۰/۸۷۴	۰/۸۵۲	۰/۸۶۳	۰/۹۰۷	۰/۳۱	۱۶۷/۴۹۲
مدل غیریکسان - یکسان $X^2 = 24/801 - 7/49 = 17/311$ (sig=۰/۰۰۰); X^2										

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد هر چند مقدار کای اسکوئر برای هر دو مدل یکسان و غیریکسان معنادار است، اما مدل مبتنی بر یکسان بودن روابط بین دو گروه دختر و پسر دارای کای اسکوئر کمتر و بر اساس سایر شاخص‌ها از برازش بهتری برخوردار است. همچنین، کوچک بودن شاخص مقایسه مدل‌ها، یعنی معیار اطلاعات آکائیک (AIC)، برای مدل یکسانی روابط در میان دو گروه دختر و پسر (۷۳/۶۰۲) در برابر مقدار این شاخص برای مدل غیریکسانی (۱۶۷/۴۹۲) نشان دهنده برازش نیکویی بهتر مدل یکسانی می‌باشد.

همچنین با توجه به معنادار بودن تفاوت کای اسکوئر برای دو مدل یکسان و غیریکسان ($17/311 = 24/801 - 7/49$) و سطح معنی‌داری آن با فرض اصلی بهتر بودن مدل یکسانی، فرض مبتنی بر بهتر و مناسب بودن مدل یکسانی در ارتباط خودشیفتگی سالم و خودکارآمدی تحصیلی در میان دو گروه دختر و پسر تأیید می‌شود. بنابراین متغیر جنسیت در ارتباط میان خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی از اثر تعدیلگری برخوردار نیست. در جدول ۴ خلاصه نتایج پژوهش بر اساس برآورد مدل غیریکسان در ارتباط خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی و همچنین برآورد مدل غیریکسان در ارتباط خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی (در مورد فرضیه سوم) آورده شده است.

جدول ۴. خلاصه نتایج پژوهش بر اساس برآورد مدل غیریکسان رابطه‌ها

فرضیه	گروه	ضریب رگرسیونی استاندارد	خطای استاندارد	مقدار t	P
خودشیفتگی سالم --- < خودکارآمدی تحصیلی	دختران	۰/۴۸	۰/۰۲۱	۷/۳۲۴	۰/۰۰۰
	پسران	۰/۳۹	۰/۰۳۶	۶/۷۸۲	۰/۰۰۰
خودشیفتگی بیمارگونه --- < خودکارآمدی تحصیلی	دختران	-۰/۳۴	۰/۰۳۱	۱/۰۱۷	۰/۰۸۶
	پسران	-۰/۵۲	۰/۰۱۴	-۹/۶۵۴	۰/۰۰۰

همان‌گونه که جدول ۴ نشان داده شده است، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که همانند مدل کلی پژوهش رابطه بین خودشیفتگی بیمارگونه و خودکارآمدی تحصیلی برای هر دو گروه دانش‌آموز پسر و دختر مثبت و معنادار شده است. بنابراین اثر تعدیل‌گری جنسیت بین این دو متغیر برای دانش‌آموزان پسر و دختر تأیید نمی‌شود.

همچنین بر اساس مبانی نظری و ادبیات پژوهش، سؤال سوم این پژوهش، آزمون اثر مداخله‌گری متغیر جنسیت در رابطه با خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول بود. در بررسی اثر تعدیل‌کنندگی متغیر جنسیت در رابطه بین خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی از تکنیک تحلیل گروه‌های چندگانه استفاده شد. در این زمینه نتایج حاصل از تحلیل گروه‌های چندگانه نشان داد که مدل مبتنی بر فرض متفاوت بودن (مدل غیریکسانی) برای دختران و پسران شرکت‌کننده در پژوهش از برازش نیکویی بهتری برخوردار است. نتایج به دست آمده در خصوص شاخص‌های نیکویی برازش و تفاوت کای اسکوئر برای مدل‌های یکسان و غیر یکسان روابط در میان دو گروه در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. خلاصه شاخص‌های نیکویی برازش برای مدل‌های غیر یکسان و یکسان رابطه در میان دو گروه دختر و پسر همراه با مقایسه مدل‌ها (با فرض

اصلی بهتر بودن مدل غیریکسانی رابطه برای دو گروه)

مدل	X^2 (df, p)	p	df/x^2	GFI	AGFI	NFI	CFI	IFI	RMSEA	AIC
مدل غیر یکسان	۷/۵۰	۰/۰۸۱	۲/۱۲۵	۰/۹۸۷	۰/۹۲۵	۰/۹۳۳	۰/۹۲۱	۰/۹۶۶	۰/۰۶۷	۱۰۴/۲۵۴
مدل یکسان	۳۱/۲۰۵	۰/۰۳۸	۱/۶۰۸	۰/۹۳۱	۰/۹۰۱	۰/۸۵۲	۰/۹۰۲	۰/۸۷۵	۰/۲۲	۱۸۵/۱۸۲
مدل غیر یکسان یکسان $X^2 = 31/205 - 7/50 = 24/75$ (sig=۰ /۰۰۰); X^2										

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد هر چند مقدار کای اسکوئر برای هر دو مدل یکسان و غیریکسان معنادار است، اما مدل مثبتی بر غیریکسان بودن روابط بین دو گروه دختر و پسر دارای کای اسکوئر کمتر و بر اساس سایر شاخص‌ها از برزش بهتری برخوردار است. کوچک بودن شاخص مقایسه مدل‌ها، یعنی معیار اطلاعات آکائیک (AIC)، برای مدل غیریکسانی روابط در میان دو گروه دختر و پسر (۱۰۴/۲۵۴) در برابر مقدار این شاخص برای مدل یکسانی (۱۸۵/۱۸۲) نیز نشان دهنده برزش نکویی بهتر مدل غیریکسانی می‌باشد. همچنین با توجه به معنادار بودن تفاوت کای اسکوئر برای دو مدل یکسان و غیریکسان (۳۳/۷۵۰ = ۷/۵۰ - ۳۱/۲۰۵) و سطح معنی‌داری آن با فرض اصلی بهتر بودن مدل غیریکسانی، فرض مثبتی بر بهتر و مناسب بودن مدل غیریکسانی در ارتباط خودشیفتگی سالم و خودکارآمدی تحصیلی در میان دو گروه دختر و پسر تأیید می‌شود. بنابراین مغییر جنسیت در ارتباط میان خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی از اثر تعدیلگری برخوردار است. در جدول ۴ خلاصه نتایج پژوهش بر اساس برآورد مدل غیریکسان در ارتباط خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی آورده شده است. همان‌گونه که جدول ۴ نشان داده شده است، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برخلاف معنادار بودن رابطه بین خودشیفتگی بیمارگونه و خودکارآمدی تحصیلی در مدل کلی پژوهش، پس از آزمون اثر تعدیل‌گری جنسیت بین این دو متغیر برای دانش‌آموزان پسر منفی و معنادار و برای دانش‌آموزان دختر غیرمعنادار بود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه خودشیفتگی سالم و بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی و نقش تعدیل‌کننده جنسیت در این رابطه انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که خودشیفتگی بیمارگونه با خودکارآمدی تحصیلی دارای رابطه منفی و معنی‌داری می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهش (Brookes (2015) همسو و با نتایج پژوهش‌های (Saadat et al. (2017); Hirschi & Jaensch (2015) ناهمسو است. در تبیین نتایج پژوهش می‌توان بیان نمود که نگرش به خود مغرورانه افراد خودشیفته مانعی در برابر دیدن توانایی‌های واقعی خود است و آنها را آسیب‌پذیر و بی‌ثبات می‌سازد (Vazire & Funder, 2006). بسیاری از پاسخ‌های رفتاری، شناختی و عاطفی افراد خودشیفته در خدمت اثبات و دفاع از خودپنداره^۱ غیرواقعی است. بنابراین خودپنداره افراد خودشیفته شکننده است. این افراد تمایل دارند به جای تمرکز بر واقعیات و پیامدها بر تصاویر تمرکز کنند. در واقع آن‌ها شفافیت واقعیت را می‌گیرند، واقعیت را تحریف می‌کنند و حتی به منظور حفظ توهمات درباره خود و برنامه‌هایی که در آن‌ها شرکت دارند به لفاظی و خودفریبی می‌پردازند. سبک شناختی آن‌ها انعطاف‌ناپذیر و احساس‌شان اغراق‌آمیز است (Barry & Frick, 2003) در نتیجه این اغراق در توانایی‌های خود و عدم دیدن توانایی‌های واقعی خود بر خودکارآمدی تحصیلی این گونه افراد تاثیر منفی خواهد گذاشت. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که خودشیفتگی سالم با خودکارآمدی تحصیلی دارای رابطه مثبت و معنی‌داری می‌باشد. نتایج به دست آمده با پژوهش‌های (Khosravi Moghadam & Khalife Soltani (2017); Lapsely & Aalsma (2006); Wallace & Baumeister (2008) همخوانی دارد. در تبیین یافته‌های پژوهشی می‌توان گفت که خودشیفتگی سالم، بخش لازمی از رشد بهنجار انسان است و یک موتور محرک قوی برای پیشرفت شخصی بشر است. در خودشیفتگی سالم، فرد حس روشنی از خود دارد، احساس رضایت می‌کند، سطح ثابت و معقولی از عزت نفس را داراست و نسبت به خود و نیازهایش، آگاه و هوشیار است. در موفقیت‌هایش مغرور می‌شود، اما آن‌ها را بزرگ‌نمایی نمی‌کند. در واقع، خودشیفتگی سالم، همان احساس ارزشمندی و احترام به نفس متعادل است (Saboori Pour & Alavi Sadr, 2015). مالکین خودشیفتگی سالم را «توانایی افراد در ارزیابی مثبت از خود و دیگران» قلمداد می‌کند (Malkin, 2016). افراد دارای خودشیفتگی سالم در مورد شایستگی و توانایی‌های خود ارزیابی مثبتی دارند اما در مورد آن اغراق نمی‌کنند که این خصوصیت مهم می‌تواند موجب افزایش خودکارآمدی تحصیلی آن‌ها شود؛ یعنی خودشیفتگی به عنوان یک ویژگی مثبت شخصیتی می‌تواند اثرات مطلوبی بر کارایی فرد داشته باشد، اما اگر کنترل نشود می‌تواند اثرات بدی را روی کارایی فرد داشته باشد (Khosravi Moghadam & Khalife Soltani, 2017).

¹ - Self- Concept

نتایج فرضیه دوم پژوهش نشان داد که جنسیت در رابطه بین خودشیفتگی سالم و خودکارآمدی تحصیلی از اثر تعدیل‌کنندگی برخوردار نیست. بررسی پیشینه موضوع در منابع موجود و در دسترس حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است. باید بیان نمود که خودشیفتگی مفهومی است که کم و بیش در همه افراد وجود دارد، اما خودشیفتگی دارای ابعاد سالم و ناسالم است. خودشیفتگی سالم، بخش لازمی از رشد به هنجار انسان است و قسمتی از آن، تا بزرگ سالی باقی می‌ماند. این صفت، برای انسان مهم و حیاتی است. او را زنده نگه می‌دارد، به سوی پیشرفت سوق می‌دهد و برمی‌انگیزد تا موجب رشد و پیشرفت انسان شود، مطالعه و تحقیق کند، به اکتشاف دست بزند، و اختراع و ابتکار داشته باشد. خودشیفتگی سالم، یک موتور محرک قوی برای پیشرفت شخصی بشر است و مربوط به جنس خاصی نمی‌باشد (Alavi Sadr, 2015) & Saboori Pour). خودشیفتگی سالم باعث افزایش کارایی و اطمینان افراد از توانایی‌های خود می‌شود (O'Leary & Weathington, Trumpeter, Watson, 2008) که می‌تواند به بهبود خودکارآمدی تحصیلی افراد بدون در نظر گرفتن جنس خاصی کمک کند.

نتایج بررسی فرضیه سوم پژوهش نشان داد که جنسیت رابطه بین خودشیفتگی بیمارگونه و خودکارآمدی تحصیلی را تعدیل می‌کند. در پسران خودشیفتگی بیمارگونه اثر منفی بر خودکارآمدی تحصیلی دارد، اما در دختران خودشیفتگی بیمارگونه به طور جدی نمی‌تواند خودکارآمدی تحصیلی را با محدودیت مواجه کند. می‌توان استنباط کرد که نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های (Mohammadzadeh (2009); Vazire & Funder (2006); Foster, Campbell & Twenge (2003) پژوهش‌های خود نشان داده‌اند در اختلال شخصیت خودشیفته میان پسران و دختران تفاوت معنی‌داری وجود دارد، همخوانی دارد و با نتایج پژوهش‌های (shafi'i, shafarinia (2011); Farah Bidjari, Peivastegar, Zareif Jalali (2014) پژوهش‌های خود نشان داده‌اند بیان در اختلال شخصیت خودشیفته هیچگونه تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد ناهمخوانی دارد. در تبیین یافته‌های پژوهشی می‌توان بیان نمود که تفاوت‌های جنسیتی عامل مهمی در ابراز نوع خودشیفتگی است (Foster et al., 2003). در دوران نوجوانی جنبه‌های مرضی خودشیفتگی مانند: اقتدار و رفتارهای خطرپذیر، خودبستگی، اطمینان افراطی به خود در پسران بیشتر دیده می‌شود (Roche, 2013). ویژگی‌های مردانه با مقیاس کلی خودشیفتگی و با برخی از زیرمقیاس‌های آن مثل اقتدار و خود بزرگ‌بینی، تسلط و پرخاشگری ارتباطی مستقیم دارد و ویژگی‌های زنانه با زیر مقیاس‌های ارزش خود و دغدغه همدلی ارتباط مستقیمی دارد (Hamzavi & Qorbai, 2013). پژوهش‌های چانز، مورف و ترنر و همکاران نیز نشان می‌دهد که مردان در مقیاس کلی «شخصیت خودشیفته» و زیرمقیاس‌های آن (رهبری/ اقتدار؛ خودفرورفتگی/ خودتحسین‌گری؛ احساس محق بودن و احساس برتری - غرور) نمراتی بالاتر از زنان را کسب می‌کنند (Tschanz, Morf & Turner, 1998). این حس بیشتر خود بزرگ‌بینی، رفتارهای خطرپذیر، خشم و غرور و ... در پسران مانعی است برای دیدن توانایی‌های واقعی خود و این می‌تواند بر خودکارآمدی تحصیلی پسران اثر منفی بگذارد. اما در عوض جنبه‌هایی مانند ارزش خود و دغدغه همدلی که بیشتر در دختران دیده می‌شود با حوزه‌های خودکارآمدی تحصیلی رابطه‌ای ندارند و نمی‌توانند بر خودکارآمدی تحصیلی دختران اثر منفی بگذارد. همچنین یک تبیین دیگر می‌تواند این باشد که خودشیفتگی یک ویژگی فطری - شخصیتی و بنیادی انسان است که بر اساس نوع زمینه‌های ژنتیک افراد، تربیت خانوادگی، شرایط رشد و شرایط اجتماعی و محیطی تشدید شود، به نحوی که بر سایر ویژگی‌های شخصیتی غالب شود (Soleymanian, 2013). پژوهشگران بالاتر بودن جنبه‌های مرضی خودشیفتگی در مردان را در مقایسه با زنان به عوامل فرهنگی نسبت می‌دهند. طبق این دیدگاه، در فرهنگ‌های غربی از مردان انتظار می‌رود بیشتر رقابت‌جو، جسور و نیرومند بوده و در برابر ناکامی رفتارهای خشن و جسمانی بیشتری نشان دهند، در حالی که زنان بیشتر به تشکیل پیوندهای عاطفی و همدلانه با دیگران بیشتر تشویق می‌شوند (Pincus et al., 2009).

استفاده صرف از ابزارهای خودسنجی و عدم توجه به وضع اقتصادی، فرهنگی و هوشی شرکت‌کنندگان از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر است. در زمینه پژوهشی پیشنهاد می‌شود مطالعات بیشتر و با نمونه‌های بزرگتر در سایر فرهنگ‌ها انجام پذیرد. در زمینه کاربردی از آن جایی که مریمان و اولیا کمتر با جنبه‌های تاریک شخصیت نوجوانان آشنایی دارند؛ پیشنهاد می‌شود که آموزش و پرورش با دعوت از روانشناسان و روانپزشکان و پی‌ریزی برنامه‌های مدون سطح آگاهی اولیا و مریمان را بالا ببرند. از آن جایی که

خودشیفتگی سالم و بیمارگونه روی یک پیوستار قرار دارند، می‌توان با تشکیل جلسات مشاوره فردی و گروهی به دانش‌آموزان کمک کرد تا از خودشیفتگی بیمارگونه فاصله گرفته و به سمت خودشیفتگی سالم حرکت کنند. در آخر با توجه به نقش تعدیل‌گری جنسیت و اینکه خودکارآمدی قابل آموزش است، پس می‌توان با استفاده از روش‌های نوین مشاوره و تربیتی، میزان آن را در دختران افزایش داد تا مشکلات کمتری را تجربه کنند.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش و مدیران مدارس آنها و مسئولان اداره آموزش و پرورش شهرستان میاندوآب تشکر می‌شود.

References

- Altunsoy S, Çimen O, Ekici G, Atik AD, Gökmen A. (2010). An assessment of the factors that influence biology teacher candidates' levels of academic self-efficacy. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*; 2(2): 2377-2382.
- Back MD, Vazire S. (2015). The social consequences of personality: Six suggestions for future research. *European Journal of Personality*; 29(2): 296-307.
- Bakhshizadeh F, Samani S, khayyer M, Sohrabi N. (2018). A Causal model, for, sexual role Schema, sexual knowledge and self-differentiation; 9(33): 21-34.
- Barry TD, Frick PJ. (2003). the relation of narcissism and self- esteem to conduct problems in children: A preliminary investigation. *Journal of clinical child and adolescent psychology*; 32(1): 139- 152.
- Brookes J. (2015). The effect of overt and covert narcissism on self-esteem and self-efficacy beyond self-esteem. *Personality and Individual Differences*; 85: 172-175.
- Brown N. (2007). Children and parental narcissism: how can we not fall victim to our parents' narcissism. Translated by Mohammad Ghorbani. Tehran: Panjereh Publisher.
- Cheek JM, Hendin HM, Wink PM. (2013). An extended version of the Hypersensitive Narcissism Scale, Association for Research in Personality, At Charlotte, NC.
- Cheek JM, Wink PM, Hargreaves KM, Derr JL. (2013). Distinctions among overt, covert and adaptive types of narcissism: Conceptualization and measurement. The 121st Annual Convention of the American Psychological Association, At Honolulu, Hawaii.
- Farah Bidjari A, Peivastegar MA, Zareif Jalali Z (2014). A comparison of dimensions of self-concept and adjustment in adaptive and maladaptive narcissistic persons, *quarterly journal of psychological studies*; 9(4): 99-128.
- Fosse TH, Buch R, Säfvenbom R, Martinussen M. (2015). The impact of personality and self-efficacy on academic and military performance: The mediating role of self-efficacy. *Journal of Military Studies*; 6(1): 47-65.
- Foster JD, Campbell WK, Twenge JM. (2003). Individual differences in narcissism: Inflated self-views across the lifespan and around the world. *Journal of Research In personality*; 37: 469-486.
- Gholamipour F, Rahimian Boogar I, Talepasand S. (2017). Prediction of Pathological Narcissism Based on Family System: The Mediating Role of Narcissistic Wounds and Perfectionism. *Journal Mazandaran Univ Med Sci*; 27(151): 117-129.
- Ghorbani N. (2018). Styles and skills of interpersonal (8th Ed.). Tehran: Bineshe now Publisher.
- Hamzavi F, Qorbai N. (2007). Narcissism and Gender Roles in the Iranian Female Youth. *Women's Studies Sociological and Psychological*; 5(2): 55-72.
- Hirschi A, Jaensch VK. (2015). Narcissism and career success: Occupational self-efficacy and career engagement as mediators. *Personality and Individual Differences*; 77(13): 205-208.
- Hossein Gholizadeh R, Ghasemi Z, Naseri Sadegh S, Ahmad Abadi A. (2015). Assessment of the relationship between gender, culture and distribution of power in the organization. *Women in Development & Politics*; 13(2): 263-289.
- Jinks J, Morgan O. (1999). Children's perceived academic self- efficacy: An Inventory Scale. *Clearing House*; 72(4): 224-230.
- Karimzade M, Mohseni N. (2006). Female Academic Self-Efficacy and Academic Achievement. *Women's Studies Sociological and Psychological*; 4(2): 29-45. [In Persian].
- Khosravi Moghadam Z & Khalife Soltani A. (2017). The investigation of relationship between Management Narcissism and Earning Management. M.SC. Thesis Accounting Course, Alzahra University, Tehran.
- Lapsely DK, Aalsma MC. (2006). An empirical typology of narcissism and mental health in late adolescence. *Journal of adolescence*; 29(1): 53-71.
- Malkin C. (2016). Rethinking Narcissism: The Secret to Recognizing and Coping with Narcissists. Publisher: Harper Perennial.
- Mark Young S, Pinsky D. (2006). Narcissism and celebrity. *Journal of Research in Personality*; 40(5): 463-71.

- Martinez MA, Zeichner A, Reidy DE, Miller JD. (2008). Narcissism and displaced aggression: Effects positive, negative and delayed feedback. *Personality and Individual Differences*; 44(1): 140-149.
- Mohammadzadeh A. (2009). Iranian validation of the narcissistic personality inventory-16. *Journal of Fundamentals of Mental Health*; 11(44): 81-274.
- Morf CC, Rhodewalt F. (1993). Narcissism and self-evaluation maintenance: Explorations in object relations. *Personality and Social Psychology Bulletin*; 19(6): 668-676.
- Pettus KR. (2006). The relationship of parental monitoring to community college student adjustment and achievement: differences by gender, ethnicity, parental education level, and student residence. Ph.D. Thesis general psychology course, Carolina University, America.
- Pincus AL, Ansell EB, Pimentel CA, et al. (2009). The initial construction and validation of the Pathological Narcissism Inventory. *Psychological Assessment*; 21(3): 365-379.
- Pu J, Hou H, Ma R. (2017). Direct and indirect effects of self-efficacy on depression: The mediating role of dispositional optimism. *Current Psychology*; 36(3): 410-416.
- Roche MJ, Pincus AL, Lukowitsky MR, Ménard KS, Conroy DE. (2013). An integrative approach to the assessment of narcissism. *Journal of Personality Assessment*; 95(3): 237-248.
- Ronningstam E. (2005). Identifying and understanding narcissistic personality. New York: Oxford University Press.
- Saadat S, Kalantari M, Ghamarani A. (2017). Relationship between dark triad personality (i.e., Machiavellianism, Narcissism, and Psychopathy) and Students' Academic Self-Efficacy. *Educ Strategy Med Sci*; 10(4): 255-262.
- Saboori Pour M, Alavi Sadr F. (2015). Juveniles' Age of Criminal Responsibility in Islamic Penal Code of 2013. *Criminal law research*; 6(1): 171-194.
- Schultz DP, Schultz SE. (2016). Theories of personality (11th Ed.). Belmont, CA: Wadsworth.
- Shafi'i H, shafarina M. (2011). Narcissism, Self-esteem, and Dimensions of Aggression in Adolescents. *Counseling Culture and Psychotherapy*; 2(6): 123-148.
- Shams F. (2011). The mediating role of academic self- efficacy in the relationship between personality traits and mathematics performance. *Social and Behavioral Sciences*; 29: 1689-1692.
- Soleymanian B. (2013). The effect of managers' narcissism on organizational conflict and contradiction (Case study: Managers of Bojnourd city offices). M.SC. Thesis Human resources management Course, Payame Noor University, West Tehran.
- Stinson FS, Dawson DA, Goldstein RB, Chou SP, Huang, B, Smith SM, Grant BF. (2008). Prevalence, correlates, disability, and comorbidity of DSM-IV narcissistic personality disorder: Results from the wave 2 national epidemiologic survey on alcohol and related conditions. *The Journal of Clinical Psychiatry*; 69(7): 1033-1045.
- Tschanz BT, Morf CC, Turner CW. (1998). "Gender Differences in the Structure of Narcissism: A Multi-Sample Analysis of the Narcissistic Personality Inventory." *Sex Roles. A Journal of Research*; 38(9-10):863-870.
- Vazire S, Funder DC. (2006). Impulsivity and the Self-defeating Behavior of Narcissists. *Personality Social Psychology Bulletin*; 10(2): 154-165.
- Watson PJ, Taylor D, Morris RJ. (1987). Narcissism, Sex Roles, and Self-Functioning, *Sex Roles*; 16(7-8): 335-350.
- Wright AG, Pincus AL, Thomas KM, Hopwood CJ, Markon KE, Krueger RF. (2013). Conceptions of narcissism and the DSM-5 pathological personality traits. *Journal Assessment*; 20(3): 339-352.

The Moderating Role of Gender in the Connection between Adaptive Narcissism and Maladaptive Narcissism with Academic Self-Efficacy

Sabah Abdi^{1*}

Akbar Rezaei²

Ali Mohammadzadeh³

Abstract

Purpose: The purpose of this study was to investigate the relationship between adaptive versus maladaptive narcissism with academic self-efficacy of first-grade high school students in Miandoab city and also to study the moderating effect of gender.

Methodology: The present study is a descriptive and correlational one, in which 369 individuals were selected using two-stage cluster sampling. The data were collected using three standard questionnaires including; Jink and Morgan Academic Self-Efficacy Inventory (1999), maladaptive covert narcissism scales (2013) and adaptive overt narcissism scale (2013). Data were analyzed using the structural equation method using the multi-group analysis technique.

Findings: Research results showed that there was a positive and significant relationship between adaptive narcissism and academic self-efficacy, but there was a negative and significant relationship between maladaptive narcissism and academic self-efficacy. The gender variable did not have a moderating effect on the relationship between adaptive narcissism and academic self-efficacy and had a moderating role on the relationship between maladaptive narcissism and academic self-efficacy in boys, not girls.

Conclusion: The final result of the study showed that different types of narcissism have different effects on students' academic self-efficacy, that amount of this effect is different in between boys and girls students. According to the complexity of the narcissism field; it's necessary for counselors, psychologists and teachers to obtain more information in this field.

Keywords: Adaptive Narcissism, Maladaptive Narcissism, Academic Self-Efficacy, Gender.

¹ Master of Educational Psychology, Secretary of Education of Miandoab, Miandoab, Iran. (Responsible author).
sabahabdi2015@yahoo.com

² Associate Professor of Educational Psychology Department, Payame Noor University of Tehran, Tehran, Iran.
akbar-rezaei@pnu.ac.ir

³ Associate Professor of Psychology Department, Payame Noor University of Tehran, Tehran, Iran. a-
mohammadzadeh@pnu.ac.ir